

میدون و سوفیا

چلوکباب خیالی در بشقاب خالی



► **پوریا عالمی**

● بابای سوفیا می‌گوید: «پسران رئیس‌جمهور به اتهام تلاش برای اختلال در بازار سهام و پرونده فساد اقتصادی که علیه آنها گشوده شده، بازداشت شده‌اند. این دو به نقض قوانین بانک مرکزی هم متهم شده‌اند.

آنان که پس از پدرشان تحت پیگرد قانونی بوده‌اند، از سه سال پیش با سپردن وثیقه آزاد شده بودند.

قرار است هردو آنها – که تمام اتهام‌ها را رد کرده‌اند – حدود یک ماه دیگر در دادگاه حاضر شوند.

علاوه‌بر پسران رئیس‌جمهور سابق، سه نفر دیگر هم در جریان این پرونده فساد اقتصادی بازداشت شده‌اند. این پنج نفر درمجموع متهم به اختلاس ۱۱۵ میلیون دلار آمریکا هستند.»

می‌گویم: جدی؟ همین ایران؟

بابای سوفیا می‌گوید: نه بابا! توی مصر، بچه‌ها و دوروبری‌های حسنی مبارک را گرفتند.

می‌گویم: پس چرا خبر را طوری خواندی که آدم را خیالات برادر؟

بابای سوفیا می‌گوید: وقتی واقعیت آن طوری نیست که دوست داری، واقعیت را آن طوری تعریف کن که دوست داری!

می‌گویم: خسته نباشی.

بابای سوفیا می‌گوید: من کل زندکیم همین بوده! همیشه گشته بودم، اما توی بشقاب خالی چلوکباب خیالی می‌ریختم!

می‌گویم: خسته نباشی.

می‌گویم: تازه هربار توی زاین یک مدیر یا مسئول نالایق هاراگیری می‌کند، من ذوق می‌کنم.

می‌گویم: خسته نباشی.

می‌گوید: این رمز موفقیت من است!

می‌گویم: پس بی‌حمت سوفیا را بده من ببرم. می‌گوید: دست‌خالی؟ پسر تو آه نداری با ناله سودا کنی، زن می‌خواهی بگیري؟

می‌گویم: خب خیال کن وضعم توپ‌توپ است.

بابای سوفیا می‌گوید: توپ‌تویی؟ بعد با اردنگی می‌زند در کمرم و از خانه‌شان پرتم می‌کند بیرون. این هم شانس ماست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ ● ۷ محرم ۱۴۴۰ ● ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ ● سال شانزدهم ● شماره ۳۲۴۶ ● ۱۶ صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۵۹ ● اذان مغرب ۱۹:۲۷ ● اذان صبح فردا ۵:۲۵ ● طلوع آفتاب ۶:۴۹

روزنفرها

کارتون خواب

► **داریو کاستیلجوس**



قصه‌های شهر

یک دوچرخه‌سواری زنانه



► **گیتی صفرزاده**

● هفته گذشته تصمیم گرفتم اولین تجربه‌ام را از دوچرخه‌سواری برای رفت‌وآمد روزمره در تهران انجام دهم. با اینکه در منزل دوچرخه هست اما برای اینکه ببینم طرح و برنامه‌ریزی شهری ماجرا چطور است سراغ یکی از دکه‌های کرایه دوچرخه شهرداری رفتم و با ارائه کارت شناسایی یک دوچرخه با قفل و تجهیزات کرایه کردم تا با آن به محل کارم بروم و تا قبل از ساعت هشت شب که دکه تعطیل می‌شد، آن را برگردانم.

دوچرخه‌های دنده‌ای دکه تمام شده بود و خوش‌شانس بودم محلی که برای کار قرار بود بروم، در یک مسیر مستقیم و کم‌فرازونشیب قرار داشت.

مسیر انتخابی من جزء جاهایی بود که شهرداری برای آن خط عبور دوچرخه مشخص کرده بود اما نکته جالبش این بود که این خط در همه مسیر نبود و یک جایی در میانه راه قسمت دوچرخه‌رو ناپدید می‌شد، بختمل شهرداری یا روی گزینه دوچرخه پرنده حساب کرده بود یا به شیوه سپردن مشکلات به بخش خصوصی گفته بود لابد خود دوچرخه‌سوار یک فکری به حال خودش می‌کند!

هنگام دوچرخه‌سواری به‌طور دقیق با میزان جاله‌چوله‌های شهری آشنا می‌شوید و به شکل ملموسی درک می‌کنید که پیداکردن چندصدمتر آسفالت یکدست و هموار چه کار سختی است. نکته مهم بعدی این است که اگر زمان دوچرخه‌سواری شما مطابق شود با ساعات اوج ترافیک در زمان شروع و پایان کار شهری (که لابد باید بشود چون تشویق می‌شویم که برای رفع آلودگی و ترافیک این کار را انجام دهیم) دیگر حتی مسیر ویژه دوچرخه‌سواری هم خیلی به دردشان نمی‌خورد، به عبارت بهتر باید خیلی مراقب باشید تا در میان معرکه‌ای که موتورسوارها بدون توجه به چراغ قرمز و ماشین‌ها برای سریع‌تر رسیدن چپ و راست جلوی هم می‌پیچند، جان سالم به در ببرید. البته گفتن این نکته خالی از لطف نیست که در ابتدای ورود به یکی از خطوط تعیین‌شده برای دوچرخه‌سواری یک ماشین پلیس خوش و خرم پارک کرده و فضای اندکی را برای عبور باقی گذاشته بود!

با همه این حرف‌ها منظورم این نیست که از پروژه دوچرخه‌سواری بگذریم بلکه بیشتر گمان می‌کنم به برنامه‌ریزی مناسب و کاربردی برایش باید فکر کرد. یاد تجربه‌ای که در زاین دیدم می‌افتم، خطوط مترو در توکیو به طور گسترده همه نقاط شهر را به هم وصل کرده‌اند اما معمولا شما وقتی در ایستگاه محلتان پیاده می‌شوید، برای رسیدن به مقصد نهایی یا خرید در محل می‌توانید از دوچرخه استفاده کنید. لابد این هم راه‌حل بدی نیست برای کشوری که روزی قرار بود زاین اسلامی شود. این نکته آخر را هم بگویم که در عملیات دوچرخه‌سواری افراد زیادی با اشتیاق نزدیک می‌شدند و مثل یک قهرمان ملی با من برخورد می‌کردند. اگر فرصت می‌شد، می‌ایستادم و بهشان توضیح می‌دادم که آنها هم می‌توانند از همان نزدیکی‌ها دوچرخه‌ای کرایه کنند و قهرمان ملی شوند؛ فقط به شرط رکاب‌زدن!

آکادمی

راه ناهموار گفت‌وگو بین پزشکان و سینماگران

خود به‌عنوان یک «مدل» در گسترش یا محدودکردن عادات و خرافات رایج، از دخانیات و قلیان گرفته تا زالو و جادو یا تبلیغ صبر و عقلانیت در مواجهه با بیماری‌ها هرگز از یاد نویشت، بلکه خود جوامع پزشکی و سینمایی هستند که با عدم مداخله مؤثر، تأثیر و نفوذ حداکثری جشنواره را مانع می‌شوند.

واقعیت آن است که اساسا برگزاری چنین جشنواره‌ای درواقع وظیفه مجموعه‌ای از انجمن‌های پزشکی، علمی، انجمن‌های حمایت از بیماران و انجمن‌های سینماگران از اقشار مختلف است و وقتی چنین ابتکاری از جانب ایشان رؤیت نمی‌شود، طبیعتا دولت و وزارت بهداشت در این زمینه ضروری پیشگام خواهند شد. در این حال و

در این بستر آماده هم در صورت درک اهمیت این جشنواره و مشارکت جدی و مسئولانه پزشکان و انجمن‌های پزشکی در آن، بی‌تردید جادوی نفوذ سینما در اذهان مردم و ارتقای تصورات و فرهنگ سلامت جامعه خود را به تمامی نشان خواهد داد:

– معلوم خواهد شد که به‌تصویرکشیدن

هنرمندانه واقعیات سلامت، توانایی‌ها و

مشکلات پزشکان و بازتولید آن در سینما چه تأثیر

شگفت‌انگیزی بر رابطه به‌شدت معيوب بیمار و

پزشک در کشور ما خواهد گذاشت.

– ستارگان و هنرمندان سینما از نقش بی‌مانند

غیرمجازی و در دنیایی واقعی و شاد مانند یک جشنواره میسر است، اما این را که چنین جشنواره‌ای به تمامی به سرمنزل مقصود نمی‌رسد نمی‌توان به پهای مبتکران و برگزارکنندگان آن نوشت، بلکه خود جوامع پزشکی و سینمایی هستند که با عدم مداخله مؤثر، تأثیر و نفوذ حداکثری جشنواره را مانع می‌شوند.

واقعیت آن است که اساسا برگزاری چنین جشنواره‌ای درواقع وظیفه مجموعه‌ای از انجمن‌های پزشکی، علمی، انجمن‌های حمایت از بیماران و انجمن‌های سینماگران از اقشار مختلف است و وقتی چنین ابتکاری از جانب ایشان رؤیت نمی‌شود، طبیعتا دولت و وزارت بهداشت در این زمینه ضروری پیشگام خواهند شد. در این حال و در این بستر آماده هم در صورت درک اهمیت این جشنواره و مشارکت جدی و مسئولانه پزشکان و انجمن‌های پزشکی در آن، بی‌تردید جادوی نفوذ سینما در اذهان مردم و ارتقای تصورات و فرهنگ سلامت جامعه خود را به تمامی نشان خواهد داد:

– معلوم خواهد شد که به‌تصویرکشیدن

هنرمندانه واقعیات سلامت، توانایی‌ها و

مشکلات پزشکان و بازتولید آن در سینما چه تأثیر

شگفت‌انگیزی بر رابطه به‌شدت معيوب بیمار و

پزشک در کشور ما خواهد گذاشت.

– ستارگان و هنرمندان سینما از نقش بی‌مانند



► **بابک زمانی**
رئیس انجمن سکنه مغزی

نگاه سبز

آخرین امید زیستن در زمین



► **محمد درویش**

دوشنبه گذشته، آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، از رهبران جهان خواست تا سرعت مبارزه با خطر تغییرات اقلیمی را افزایش دهند. او گفت: «اگر ما این روند نگران‌کننده را تا سال ۲۰۲۰ تغییر ندیم، با خطر ازدست‌دادن زمان مناسب برای پیشگیری از تغییرات اقلیمی افسارگسیخته روبه‌رو خواهیم شد».

هشدار گوترش یک روز پس از مذاکرات

شکست‌خورده اقلیمی در بانکوک اعلام می‌شود

که انتظار می‌رفت بتواند پیش‌نویس قوانین لازم

در دور بعدی مذاکرات اقلیمی سازمان ملل در

کاتوویتس/ لهستان در دسامبر جاری را فراهم کند و

به‌این‌ترتیب سازوکار اجرایی توافق‌نامه پاریس تبیین

شود.

گوترش در سخنرانی اخیرش در نیویورک با اشاره به گفت‌وگوهای اقلیمی ناموفق دانمارک در سال ۲۰۰۹ گفت: «ما نباید اجازه دهیم که کاتوویتس، کپنهاک دیگری را به ما یادآوری کند».

اما چرا گفت‌وگوهای بانکوک به سرانجامی نرسید؟ مشکل اصلی در تبیین چگونگی دستیابی کشورهای درحال‌توسعه به منابع مالی لازم برای اجرای تعهدات قرارداد پاریس است؛ جایی که کشورهای شمال با وجود تعهدات پیشین خود، عملا میزان و چگونگی دریافت این کمک‌ها را اعلام نمی‌کنند. به گفته مدیر

سازمان ActionAid International Climate Policy،

کشورهایی مانند ایالات متحده، زاین، استرالیا و اتحادیه

اروپا تمایلی ندارند که بگویند «چه اندازه پول در اختیار

قرار می‌دهند و تا چه اندازه می‌توان روی آنها حساب

کرد».

دیگر نمایندگان دلسردی و ناخشنودی خود را نسبت

به نقش ایالات متحده در این مذاکرات ابراز کرده‌اند و

می‌گویند: آمریکا روند (مذاکرات) را تضعیف می‌کند،

به رغم آنکه دونالد ترامپ خروج آمریکا از توافق‌نامه

پاریس را اعلام کرده. به گفته مشاور شبکه جهان‌سوم

– Third World Network – ایالات متحده

همکاری‌های بین‌المللی را با ممانعت از کمک‌های

مالی و انتقال تکنولوژی لازم به کشورهای

زندگی دیگران

۴۶ روز جدایی

اما حالا با هم هستیم». جفرسون فقط چند هفته بعد بود که توانست راحت‌تر با پدرش صحبت کند و بپرسد: «شما دیگر من را دوست نداشتید؟»

او حاضر نیست از اتفاقاتی که در این مدت جدایی رخ داده، صحبت کند. اما گفته است که هر روز به همراه یک خانم و بچه‌های دیگر با با قطار یا اتوبوس

به مدرسه می‌رفتند. گزارشگر لس‌آنجلس‌تایمز از

زندگی آنها در لحظات مختلف موقع غذا خوردن،

شستن لباس‌هایشان، نقاشی‌کردن، آماده‌شدن برای

رفتن به مدرسه و... نوشته است. اینکه پدر به‌خاطر

وابستگی شدید پسر از یک ظرف غذا می‌خورند و

در همه لحظات در کنار هم هستند. او می‌گوید: «من

باید در این شهر کوچک خیلی مراقب باشم. مراقب

همه‌چیز، حتی ماشین‌ها که به‌سرعت می‌رانند. من

گاهی فکر می‌کنم آنها ما را نمی‌بینند».

فرزندان دو هزارو ۶۰۰ خانواده از هم جدا شدند

و شاید مانند نقاشی جفرسون هر کدام از آنها راهی

طولانی برای داشتن خانه‌ای که احساس راحتی کنند،

در پیش داشته باشند.



شعبه سام سنتر

فرشته (فیاضی)، مرکز خرید سام سنتر، طبقه ۸

رزرو کنید: ۲۲ ۶۵ ۳۸ ۴۱

www.leon1960.com

@/leon.1960